

رساله آموزشی

برای



کاهش عرف و عنعنات ناپسند

رساله آموزشی برای کاهش عرف و عنعنات ناپسند

ناشر: تیم پروگرام هر صدا شنیده می شود (EVC)
تمویل کننده: تیم پروگرام هر صدا شنیده می شود (EVC)

نوبت چاپ: اول

سال نشر: 1398

محل نشر: کابل - افغانستان

تمام حقوق برای ناشر محفوظ است.

فهرست مطالب

| | |
|----|---|
| ۵ | مقدمه |
| ۶ | بخش اول: عرف و عنعنات |
| ۶ | تعریف عرف و عنعنات |
| ۶ | رسم و رواج های مطلوب و پسندیده |
| ۶ | احترام به زنان و افراد سالمند |
| ۷ | کمک به همسایه ها |
| ۷ | زندگی فامیلی |
| ۸ | مهمان نوازی |
| ۹ | رسم و رواج های ناپسند |
| ۹ | ازدواج اجباری |
| ۱۰ | طویانه |
| ۱۵ | مصارف گزاف در مراسم ازدواج |
| ۱۶ | ممنوعیت دسترسی به آموزش زنان و دختران |
| ۱۷ | ممنوعیت دسترسی زنان به خدمات صحتی |
| ۱۸ | جلوگیری از دسترسی زنان به میراث /مهر |
| ۱۸ | محدودیت بر تحرک زنان |
| ۱۹ | محدودیت بر آزادی بیان |
| ۲۰ | ارزش دادن پسر نسبت به دختر |
| ۲۰ | عدم مشارکت زنان در امور تصمیم گیری |
| ۲۱ | بخش دوم: اسلام و عنعنات ناپسند |
| ۲۱ | تشابه رسوم جاهلی پیش از اسلام با رسم و رواج های ناپسند امروزی |
| ۲۱ | مبارزه اسلام با رسوم ناپسند و عنعنات جاهلی در قبال زنان |
| ۲۱ | اسلام و تکریم و احترام به خانم ها |
| ۲۴ | اسلام و ارزش فرزند دختر |
| ۲۶ | اسلام و حضور زن در جامعه |
| ۲۶ | اسلام و مصارف گزاف در مراسم |
| ۲۷ | اسلام و ازدواج بدل |
| ۲۹ | بخش سوم: راهکار و نتیجه گیری |
| ۲۹ | راهکار برای مقابله با رسوم و عنعنات ناپسند |
| ۳۰ | نظام سیاسی و آداب و رسوم ناپسند |
| ۳۰ | نظام قضایی و آداب و رسوم ناپسند |
| ۳۰ | نظام اقتصادی و آداب و رسوم ناپسند |
| ۳۱ | نظام فرهنگی و آداب و رسوم ناپسند |
| ۳۳ | دولت در مسیر مبارزه با آداب و رسوم ناپسند |

رساله آموزشی برای کاهش عرف و عنعنات ناپسند

بخش هویدای فرهنگ یک جامعه در رسوم و رفتارهای اجتماعی آن خود را نشان می‌دهد در واقع قسمت مهمی از هویت یک جامعه، مربوط به آداب و رسومی است که در آن رواج دارد. سؤال مهمی که ممکن است به وجود آید، این است که آیا تمام آداب و رسوم یک جامعه، پسندیده و قابل احترام‌اند؟

آنچه مورد قبول همه است و عقل به آن حکم می‌کند این است که در رفتارهای انسان گاه خطا و امور غلط دیده می‌شود، از این حیث برخی از آداب و رسوم انسان‌ها هم شامل رفتارهای غلط و اشتباه می‌شود. در اهمیت پرداختن به این موضوع، شاید همین مقدار کافی باشد که آگاهی دهی در مورد رسوم و عنعنات ناپسند در یک جامعه و آشنایی مردم با نکات منفی آن رسوم غلط، گامی خواهد بود در راستای ساختن جامعه‌ای سالم و امن برای همه طبقات اجتماعی، لذا با توجه به این ضرورت هدف این نوشتار این خواهد بود که آگاهی جامعه را نسبت به آثار نامطلوب این رسوم بالابرد و این عنعنات ناپسند از جامعه محو شوند.

بر اساس یک تحقیق وسیع و مصاحبه با زنان، مردان، مقامات دولتی، رهبران مذهبی، فعالان حقوق زن، نهادهای مدنی و گروه‌های اجتماعی در ۲۹ ولایت افغانستان در سال ۲۰۱۰، بخش حقوق بشر دفتر یوناما دریافته است که عرف و عنعنات در میان تمام جوامع افغانستان اعم از شهری و روستایی و در میان تمام اقوام افغانستان به درجات مختلف و به‌طور فراگیر وجود دارد.^۱

در بخش اول رساله به برخی از آداب و رسوم پسندیده و همچنین برخی از آداب ناپسند به صورت خلاصه و اشاره وار می‌پردازیم و در بخش دوم به نظر اسلام در خصوص برخی از رسوم ناپسندی که به آنها اشاره کرده‌ایم، نگاهی خواهیم داشت و در بخش سوم راهکارهایی به صورت مختصر پیشنهاد شده است.

^۱ - عرف و عنعنات ناپسند و تطبیق قانون منع خشونت علیه زنان در افغانستان، UNAMA، دسامبر ۲۰۱۰.

۱- بخش اول

عرف و عنعنات

۱,۱ تعریف عرف و عنعنات

عُرف، به مجموعه عادات، رفتارها و باورهایی گفته می‌شود که صرف‌نظر از درستی یا نادرستی آن‌ها از سوی افراد یک جامعه پذیرفته می‌شود. به عبارت دیگر، عرف عادت‌ها و رسومی است که عقلای جامعه آن را به‌طور کلی پذیرفته‌اند و آن را روا می‌دارند. یا به تعریف دیگر عرف به مجموعه‌ای از توافق‌ها یا معیارها و هنجارها گفته می‌شود که از سوی عموم پذیرفته شده باشد. بر پایه یک تعریف، مواردی شامل عرف می‌شود که:

- اول: فرد خاصی برای ایجاد آن تلاش ننموده، بلکه جامعه آن را بدست آورده است.
- دوم: جستجو برای شناسایی آن ضرورت ندارد، بلکه خود آشکار و هویدا است.
- سوم: هر یک از مردم به آسانی آن را می‌شناسند و نیازی به توضیح ندارد.

۱,۲ رسم و رواج‌های مطلوب و پسندیده

در فرهنگ هر مردم، رسم و رواج‌هایی وجود دارد که وقتی با معیار عقل و اخلاق سنجیده شوند از آن‌ها به عنوان «رسوم مطلوب و پسندیده» یاد می‌شوند. رسومی که از سوی جامعه تحسین شده و به‌عنوان یک امر اخلاقی و زیبا مورد قبول همگان است. در ادامه به تعدادی از این رسوم اشاره می‌کنیم:

۱,۲,۱ احترام به زنان و افراد سالمند

در خصوص احترام به زنان و افراد سالمند، آنچه در سطح جامعه دیده می‌شود و مشخص است این است که این رفتار نیک و پسندیده یعنی احترام به زنان و افراد سالمند در میان مردم دیده می‌شود که یکی از نشانه‌های ادب به هم حساب می‌آید. همین نکته باعث می‌شود تا در هنگام حضور در سطح جامعه شاهد رفتارهای انسانی از سوی افراد جامعه باشیم.

احترام به زنان، نمادی است از احترام به مادر، خواهر و همسر و احترام به سالمندان و افراد پیر، نمادی است از احترام به پدر کلان‌ها و مادر کلان‌هایی که در بیشتر خانواده‌ها در کنار فرزندان خود زندگی می‌کنند.

در دین اسلام هم احترام به زنان و هم احترام به سالمندان سفارش فراوان شده است. به عنوان نمونه حدیث شریف آمده است که «ما أكرمَ النساءَ إلا کریمٌ ولا أهانَهُنَّ إلا لئیمٌ»^۲ «انسان‌های بزرگوار، زنان را گرامی می‌دارند و افراد پست به آن‌ها اهانت روا می‌دارند.»



۱،۲،۲ کمک به همسایه‌ها

حقوق همسایگان: همسایگی در محل زندگی، کار و تحصیل، حقوق و وظایفی را پدید می‌آورد که اگر از جانب دو طرف رعایت گردد، زندگی سهل‌تر و شیرین‌تر می‌شود؛ و چنانچه از هر دو سو، یا یک‌طرف نادیده گرفته شود، امنیت و محبت و آرامش از فضای جامعه دور می‌شود.

پیامبر اسلام، مسلمانان را به کمک به همسایه تشویق می‌کردند و می‌فرمودند که هرکسی شبی سیر بخوابد درحالی که همسایه‌اش گرسنه است مسلمان نیست. از این حدیث درمی‌یابیم که تا چه حد احترام به همسایه و کمک به او در اسلام مهم است. چراکه با مهربانی و کمک به یکدیگر است که می‌شود دنیایی به دور از هر ظلم و ستمی داشته باشید.

۱،۲،۳ زندگی فامیلی

یکی از مشخصات زندگی در شرق داشتن خانواده‌های گسترده است که در آن پدر کلان و مادر کلان و بعد والدین و فرزندان هرکدام نقش و جایگاه خود را دارند. در این نوع از زندگی خانوادگی فرزندان هنر عشق ورزیدن و محبت را می‌آموزند. در چنین خانواده‌ای بسیاری از مشکلات زوجین

^۲ - الجامع الصغیر؛ رقم: ۴۱۰۲.

جوان که در آغاز زندگی با آنها روبرو هستند یا حل می‌شود و یا آسان‌تر از آن عبور می‌کنند، برای اینکه در خانواده گسترده همه برای رفع مشکلات، یکدیگر را یاری می‌کنند و جوانان شور، نشاط و همت جوانی را با تجربه بزرگان همراه می‌کنند.



مهمان نوازی ۱,۲,۴

یکی از بارزترین مشخصات هم‌وطنان، مهمان‌نوازی است و این صفت یکی از افتخارات ملی ما بشمار می‌رود. در مهمان‌نوازی و عادت‌های غذا خوردن قوانین زیادی دیده می‌شود که در میان مردم پیروی می‌شوند. حالت عادی آن است که به اصطلاح پیشانی باز پذیرایی شود و هر مقدار که خودش خواست بخورد. نباید در بشقاب غذا بماند چون آن غذا دور انداخته می‌شود و اسراف است. در هر کشور عادات خاصی وجود دارد.

در افغانستان جایگاه مهمان به رسم احترام باید در بلند خانه یا مکانی دور از دروازه باشد. اول از مهمانان پذیرایی می‌شود و میزبان آخرین نفر است که مشغول غذا خوردن می‌شود و معمولاً مقدار کمی غذا می‌خورد. یک میزبان خوب معمولاً حداقل سه بار به مهمان تعارف می‌کند تا بداند که مهمان آیا چیز دیگری می‌خواهد و مهمان نیز با تشکر و قدردانی این تعارف را رد می‌کند.

در رابطه به مهمان‌نوازی از دید اسلام احادیث فراوانی داریم و در تعدادی از کتاب‌های حدیث بخشی وجود دارد با عنوان « فضیلة الضیافة » به معنای فضیلت مهمانی، در همین موضوع می‌توان به این حدیث از پیامبر اسلام (ص) اشاره کرد که می‌فرماید:

لَا يُضِيفُ الضَّيْفَ إِلَّا كُلُّ مُؤْمِنٍ.

هر مؤمنی باید که مهمان دوست و مهمان‌نواز باشد.

۱,۳ رسم و رواج‌های ناپسند

هر نوع نقض حقوق زنان و دختران را می‌توان رسم و رواج‌های ناپسند نام‌گذاری کرد، اما بعضی از اشکال مشخص خشونت علیه زنان و دختران وجود دارد که از سوی اعضای جوامع، بر مبنای سنت، فرهنگ و مذهب توجیه می‌شود. این نوع خشونت‌ها معمولاً به نام «سنت‌ها و یا رسم و رواج‌های ناپسند» شناخته می‌شود. این رسم و رواج‌ها، به‌طور گسترده‌ای، در عدم رضایت زنان و دختران اجرا می‌شود.

رسم و رواج‌های ناپسند در برابر زنان و دختران از نظریات و باورهای عمیقاً تبعیض‌آمیز در مورد موقف و نقش زنان در جامعه سرچشمه می‌گیرد. ایجاد تفاوت‌ها و ایجاد انتظارات مشخص در جامعه، زنان را از بدو تولد تا طول زندگی‌شان، در یک موقف پایین‌تر قرار می‌دهد. رسم و رواج‌های ناپسند و سنت‌های فرهنگی، موقف پایین زنان را در جامعه حفظ کرده و به آن مشروعیت می‌دهد و هم‌زمان، باعث گسترش خشونت جنسیتی می‌شود.^۳

۱,۳,۱ ازدواج اجباری

ازدواج اجباری به وضعیتی گفته می‌شود که فردی، با استفاده از زور، تهدید به زور و یا خشونت؛ فردی را مجبور به همسری کند که منجر به مجروحیت فیزیکی، روانی و روحی برای قربانی شود. ازدواج اجباری، عبارت از ازدواجی است که یکی و یا هر دو طرف ازدواج، نسبت به آن رضایت آزادانه و کامل ندارند. ازدواج اجباری در افغانستان دربرگیرنده بد دادن (تبادلۀ دختران برای حل منازعه)، بدل (تبادلۀ ازدواج)، ازدواج زیر سن (که در نوع خود ازدواج اجباری است) و مجبور کردن زنان بیوه برای

^۳ - نهاد تحقیقاتی حقوق زنان و اطفال، عرف، عنعنات و باورهایی که سبب نقض حقوق زنان می‌شود، ۲۰۱۳، ص ۸.

ازدواج کردن با یکی از خویشان شوهر متوفا. برای پیدا کردن راه حل این مشکل نیاز است تا به دلایل این حادثه نگاهی داشته باشیم که در اینجا به چند مورد مهم آن اشاره می‌کنیم:

- اول: فقر، که به منظور دریافت پول دست به چنین کاری می‌زنند.
 - دوم: عدم آگاهی، افراد و اشخاصی که دست به چنین عملی می‌زنند، از عواقب آن و از قوانین مدنی و اسلامی شناخت درستی ندارند.
 - سوم: نگاه زن ستیزانه؛
- بهتر آن است که این موضوع را با ذکر پرسشهایی بیشتر توضیح دهیم:



طویانه ۱,۳,۲

طویانه یعنی پولی که از طرف خانواده داماد به پدر یا سرپرست عروس داده می‌شود که در بسیاری از مناطق این پول بسیار گزافی است که یکی از عنعنات ناپسند در افغانستان دانسته شده است. با در نظر داشت فقر گسترده در افغانستان، طویانه زیاد معمولاً به ازدواج‌های اجباری، ازدواج‌های زودهنگام، فروش دختران و خشونت‌های خانوادگی منجر می‌شود. در نتیجه این‌گونه طویانه‌های گزاف بعضاً مردان به خاطر مقروض شدن شدید و مجبور شدن به کارهای سخت جهت ادای دین خویش، عقده‌ای می‌شوند و این عقده خویش را بالای همسر خود می‌گشایند.

آنچه در شرع اسلام در پیمان ازدواج، از مرد انتظار می‌رود این است که هدیه‌ای به زن ببخشد که از آن بنام مهریه یاد می‌شود. اما طویانه به‌هیچ‌وجه در اسلام وجود ندارد. این هدیه، در صورت درخواست زن باید بلافاصله به وی داده شود. از این هدیه، در اصطلاح قرآن، بانام صدق یاد می‌شود.

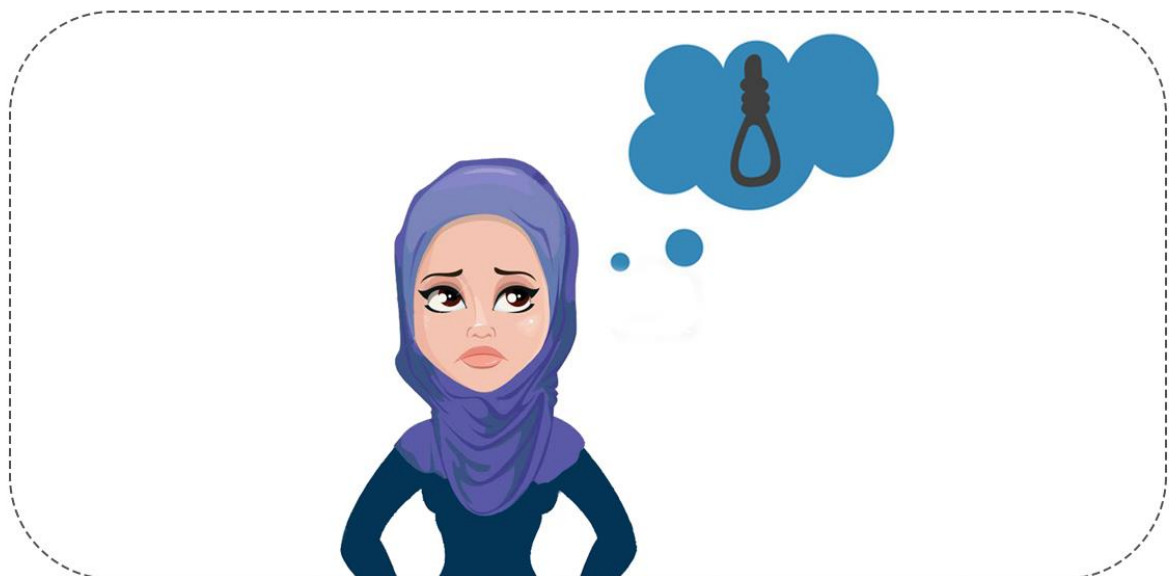
مهریه حق مسلم زن بوده و بر مرد واجب است که آن را بپردازد، در قرآن کریم در این موضوع، آیاتی نازل شده که در صورت درخواست زن باید بلافاصله مهریه به زن پرداخت شود. ندادن مهریه و سلب کردن آن از زن خلاف اسلام بوده و یک عمل غیرشرعی است.

■ ■ ۱،۳،۲،۱ در قوانین افغانستان چه جزای برای عاملین ازدواج های اجباری در نظر گرفته شده است؟

در ماده ۵۱۷ قانون جزا یادآور شده است که هرگاه شخصی بخواهد خانمی را بدون در نظر گرفتن نظر وی به شکل اجباری به ازدواج دهد، به حبس قصیرالمدت محکوم می شود.

■ ■ ۱،۳،۲،۲ ازدواج های اجباری چه پیامدهای منفی در زندگی قربانی و بلاخره در جامعه می تواند داشته باشد؟

نظر به گزارش های موجود ازدواج های اجباری پیامدهای ناگواری مانند خودکشی ، خودسوزی، فرار از منزل، عقده مند شدن زنان در برابر خانواده، و انزوای طلبی در فرد داشته است. از دید اجتماعی ازدواج های اجباری باعث گسترش فساد اخلاقی نیز می گردد و درنهایت پیامدهای ازدواج های اجباری غیرقابل جبران هست.



چگونه می‌توانیم خانواده‌ها را از پیامدهای ازدواج‌های اجباری آگاه سازیم؟ ۱،۳،۲،۳

بهترین راه برای مبارزه با این پدیده این است که ملا امامان مساجد و مدارس، ارشادات دینی را به شکل درست برای مردم تبلیغ کنند. ملا امامان در تبلیغ خود نهایت تلاش نمایند تا آنچه را اسلام در مورد زنان گفته‌اند بیان کنند.

همچنان رسانه‌ها با نشر و پخش برنامه‌های در مورد پیامدهای ناگوار ازدواج‌های اجباری، می‌توانند در کاهش این عمل کمک کنند. از سوی دیگر مجازات نمودن عاملین ازدواج‌های اجباری نیز می‌تواند باعث کاهش این عمل ناپسند در اجتماع گردد. در ادامه به برخی از انواع ازدواج‌های اجباری اشاره می‌شود:

۱،۳،۱،۴ بد (تبادل زنان برای حل منازعات)

«بد» دادن دختران جهت حل منازعات یکی از شدیدترین انواع خشونت علیه زنان در افغانستان است. متأسفانه این رسم ناپسند در سراسر افغانستان صورت می‌گیرد درحالی‌که این عمل در قانون جرم دانسته شده است. همان‌گونه که اشاره شد سنت بد دادن و یا دادن دختران به خاطر حل منازعات، یکی از برجسته‌ترین موارد خشونت علیه زنان در افغانستان است. بد به خانواده‌ها و یا اجتماع فرصت می‌دهد تا با منتقل کردن بار جرمی به گردن یک زن یا دختر، جرمی چون قتل را، در تئوری، حل و فصل کرده و صلح را میان دو طرف درگیر برقرار کند. بر اساس این سنت، فردی که دست به عمل جرمی زده است، چه پدر یا برادر و یا هم یکی دیگر از خویشان زن باشد، از سوی جناح متضرر بخشیده می‌شود در صورتی‌که آن خانواده، زن و یا دختری را به خانواده متضرر بدهد. از بد، به خاطر حل منازعات بسیار جدی مانند قتل و همچنین جرائم اخلاقی مانند زنا، تجاوز و فرار زنان از خانه (به‌طور مثال فرار از ازدواج اجباری) استفاده می‌شود. موثریت استفاده از این روش برای حل منازعات به شدت شک‌برانگیز است چون در بسیاری موارد، جنجال و منازعه میان طرف‌های درگیر، پس از دادن بد نیز ادامه یافته است.^۴

بد معمولاً توسط شورا، جرگه و نشست موی سفیدان محل یا قریه تطبیق می‌گردد. بد زمانی به وقوع می‌پیوندد که یک مرد، مردی را از فامیل دیگر به قتل رسانیده باشد یا جرم بزرگ را در حق کسی نموده باشد. بدین منظور غرض جلوگیری از قتل‌های دیگر دختران فامیل خود را به نکاح فامیل

^۴ - نهاد تحقیقاتی حقوق زنان و اطفال، عرف، عنعنات و باورهایی که سبب نقض حقوق زنان می‌شود، ۲۰۱۳، ص ۱۹.

مقتول درمی‌آورند. بسیار اتفاق افتاده است که دختری که به بد داده می‌شود، از تمامی حقوق خود در خانواده شوهرش محروم شده و مورد آزار و اذیت قرار می‌گیرد.

از سوی دیگر در تحقیقات و مصاحبه‌هایی که در موضوع «بد دادن» در سطح کشور انجام شده، این نکته به دست آمد که باوجود فراگیر بودن «بد دادن» در افغانستان، بسیاری از زنان و مردان در جریان مصاحبه مخالفت شدید خویش را نسبت به آن ابراز داشتند. در همان تحقیق عنوان شده که دختری که به بد داده می‌شود هرگز در خانواده شوهرش مورد احترام قرار نمی‌گیرد و آن‌ها وی را شریک جرمی که توسط عضو مرد خانواده‌اش ارتکاب یافته، می‌دانند و با او به‌عنوان یک خدمتکار و یک وسیله انتقام با او رفتار می‌کنند.^۵

علت های بد دادن دختران چیست؟ ۱،۳،۱،۴،۱

یکی از علت‌های اصلی تکرار این رسم، علاوه بر ضعف فرهنگی مردم، دلیل دیگر ضعف و ناتوانی دولت در تنفیذ قوانین کشور است. مردم این رسم را که بیرون از نهادهای دولتی صورت می‌گیرد، نسبت به مراجعه به نهادهای دولتی ترجیح می‌دهند. از اینکه در نهادهای عدلی و قضایی در این باره کدام شکایتی درج نگردیده است تا مورد پیگرد قرار بگیرد، بناء قربانیان این رسم غلط نمی‌توانند ادعایی صورت دهند.

علت مهم دیگر هم که سهم عمده دارد پایین بودن سطح تعلیم و تربیت و عدم آگاهی است. با بلند رفتن سطح تعلیم و تربیت، مردم از مسائل دینی و شرعی خود معرفت بیشتر حاصل می‌کنند و به حقوق و امتیازات خود واقف می‌شوند و به غیرانسانی بودن این رسم بیشتر توجه می‌کنند.

ازدواج قبل از وقت (زیر سن) ۱،۳،۱،۵

ازدواج یکی از رسوم مهم اجتماعی است که نقش بسیاری بر تمامی ابعاد زندگی انسان دارد و داشتن آمادگی لازم از نظر جسمی و روانی و اجتماعی برای آن ضروری است. به همین دلیل در قوانین حقوقی بسیاری از کشورهای جهان حداقل سنی برای آن در نظر گرفته شده است. ازدواج قبل از وقت هر دو جنس را متأثر می‌سازد اما دختران بیشتر در معرض آن هستند و آسیب‌ها و عوارض شدیدی را متحمل می‌گردند. از آنجاکه این واقعه بیشتر در بستر فقر و نابرابری جنسیتی رخ می‌دهد دارای جنبه‌های اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی است و برخی علل آن عبارت‌اند از فقر، پیشگیری از فعالیت جنسی زودهنگام و حفظ آبروی خانوادگی و عوامل فرهنگی و اجتماعی دیگر.

^۵ - عرف و عنعنات ناپسند و تطبیق قانون منع خشونت علیه زنان در افغانستان، UNAMA، دسامبر ۲۰۱۰.

ازدواج پیش از وقت می‌تواند منجر به افزایش تعداد فرزندان، حاملگی و زایمان زودهنگام، مرگ و میر و سایر بیماری‌های جسمی در مادر نوجوان شود. و همچنین افزایش احتمال زایمان‌های غیرطبیعی و نوزادان نارس را زیاد کند. از نظر روحی نیز دچار انزوای اجتماعی، افسردگی و برخی اوقات خودکشی و همسر کشی می‌گردد. در این نوع ازدواج‌ها معمولاً این عروس‌ها بیشتر در معرض خشونت قرار می‌گیرند. و در بیشتر مواقع حتی امکان دسترسی به مراقبت‌های بهداشتی را ندارند.

این نوع ازدواج‌ها معمولاً در خانواده‌هایی با تحصیلات و درآمد پایین، بیشتر اتفاق می‌افتد، اما متأسفانه دیده‌شده که این مشکل تنها ویژه خانواده‌های فقیر و کم‌درآمد نیست، حتی خانواده‌های با شرایط مالی خوب، در مواردی دخترانشان را پیش از رسیدن به سن قانونی به عقد درمی‌آورند.

علل ازدواج پیش از وقت ۱،۳،۱،۵،۱

فقر: در شرایط سخت اقتصادی و در خشک‌سالی‌ها برخی خانواده‌ها به فکر ازدواج دخترشان می‌افتند تا از بار اقتصادی بکاهند. در اینجا اطفال به‌عنوان کالایی برای رفع احتیاج خانواده‌های فقیر مورد معامله قرار می‌گیرند. اما خوب است بدانیم باینکه در بیشتر جوامع مصداق دارد اما همیشه این‌طور نیست بلکه فقر ممکن است حتی ازدواج را به تأخیر بیندازد.

حفظ آبروی خانوادگی: به‌طور سنتی ازدواج زودرس به‌عنوان وسیله‌ای برای حفاظت دختران از رابطه جنسی قبل و یا خارج از ازدواج در نظر گرفته‌شده، ملاحظات اخلاقی و آبرو نیز از عوامل مؤثر بر ازدواج زیر سن محسوب می‌شود. علاوه بر این والدین احساس می‌کنند با ازدواج زودرس دخترانشان می‌توانند ضامن امنیت جنسی آنان شده و آبروی خانواده را تضمین نمایند.

بدل ۱،۳،۱،۶

نوعی از ازدواج اجباری است که در آن دو دختر از دو خانواده تبادل شده و عروس خانواده دیگر می‌شوند؛ این ازدواج اغلب به دلیل فقر اقتصادی خانواده‌ها اتفاق می‌افتد. اما مشکلی که وجود دارد این است که در بسیاری از موارد رضایت دختر در نظر گرفته نمی‌شود و همچنین به دلیل نامعلوم بودن وضعیت مهریه این ازدواج از نظر شرعی دارای اشکالاتی است. چون «مهریه» یا «صداق» متعلق و مال زن است اما در این ازدواج چه مالی در عوض ازدواج با یک مرد تعلق می‌گیرد؟ همچنین در ازدواج رضایت زن یکی از شرایط صحت ازدواج است. آیا در این نوع ازدواج شرط رضایت زن هم لحاظ می‌شود؟

اگر در این ازدواج مهر مثل (مهر است که برای خواهران و دختران کاکا یا مامای این خانم قبلاً پرداخت‌شده است) به آن زنان تعلق نگیرد و این مال را به آن زن ندهند آن ازدواج از نظر شرعی

مشکل پیدا می‌کند. همچنین دخترانی که به سن قانونی رسیده‌اند، ازدواج بدون رضایت آن‌ها جواز ندارد.^۶

این نوع ازدواج در میان اعراب دوران جاهلیت نیز وجود داشته که در جای خود در همین رساله به آن اشاره خواهیم کرد.



۱,۳,۳ ■ ■ مصارف گزاف در مراسم ازدواج

یکی از مشکلاتی که عمدتاً در رابطه به ازدواج در برخی از کشورها خصوصاً افغانستان وجود دارد، موضوع مصارف گزاف عروسی و گرفتن طویانه بلند از سوی فامیل دختر است که امکان دارد بعد از نامزدی و عروسی دو فامیل در این مورد مشکلاتی را هم به وجود بیاورند.

با گرفتن طویانه بلند بسیاری از جوانان سال‌ها زیر بار قرض می‌مانند. گرفتن طویانه یکی از چالش‌های بزرگ پیش روی ازدواج است که سبب بالا رفتن سن ازدواج جوانان شده است. یکی دیگر از مشکلات درخواست طویانه سنگین که به آن شیربها، ولور، پیشکش، گله و غیره .. نیز گفته می‌شود باگذشت زمان به‌ویژه در اکثر ولایات افغانستان به یک سنت و فرهنگ تبدیل شده است.

^۶ - البحر الرائق، جلد ۳، ص ۱۱۸.

برای جلوگیری از این مشکلات، قانون منع مصارف گزاف وضع شده است، در این قانون چهارده نوع رسم و رواج شناسایی شده که مردم در نقاط مختلف افغانستان به آن پای بند هستند؛ اما این رسم و رواجها مصارف گزاف را می‌طلبد.

مراسم شیرینی‌خوری، مراسم خویش‌خوری، مراسم عروسی یا نکاح، تخت جمعی، پای وازی، شب شش، ختنه، سالگیره، کاکل‌گیری، نام‌گذاری طفل، فراغت از تحصیل و بازگشت از حج و دیگر سفرها در این قانون تسجیل شده است. در این قانون تنها به دو مورد یکی محفل عقد نکاح و دیگر محفل نامزدی اجازه داده شده است، اما سایر موارد را قانون منع می‌کند. برای تطبیق این قانون مکلفیت‌هایی بالای فامیل‌های داماد و عروس و هوتل‌های که مراسم عروسی و سایر محافل را برگزار می‌کنند نیز گذاشته شده که نوع غذا و شمار مهمانانی که دعوت می‌شود جز آن است.

۱,۳,۴ ممنوعیت دسترسی به آموزش زنان و دختران

حقی جهان شمول برای همگان است. این حق در تعهدنامه بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی به‌عنوان یکی از حقوق اولیه بشر اعلام شده و شامل حق آموزش ابتدایی اجباری رایگان برای همه، لزوم ایجاد آموزش متوسطه در دسترس همه و نیز الزام ایجاد دسترسی مساوی به آموزش عالی، به‌طور ایده‌آل از طریق ارائه آموزش عالی رایگان می‌شود. اعضای سازمان علمی، فرهنگی و تربیتی ملل متحد در تاریخ ۱۴ دسامبر ۱۹۶۰ در یازدهمین اجلاس خود، کنوانسیون عدم تبعیض در آموزش و پرورش را تصویب کردند که در آن بر ممنوعیت هرگونه تبعیض در آموزش و پرورش تأکید شده بود. منظور از واژه «تبعیض» در این کنوانسیون، هرگونه تمایز و تفاوت‌گذاری، محروم‌سازی، ایجاد محدودیت، یا رجحان قائل شدن بر اساس نژاد، رنگ پوست، جنسیت، زبان، دین، عقیده سیاسی یا هر عقیده دیگری است.

ممنوعیت دسترسی به آموزش و پرورش برای دختران، یک سنت ناپسند و نقض حقوق اساسی بشر است. این مساله همچنین با توجه به اثرات آن بر توسعه کودکان دختر، یکی از پیامدهای ناگوار ازدواج کودکان است. از این رو، ازدواج کودکان نه تنها زندگی کودک قربانی را تباه می‌کند، بلکه ظرفیت او را برای داشتن یک زندگی بهتر نیز از بین می‌برد.



۱,۳,۵ ممنوعیت دسترسی زنان به خدمات صحی

دسترسى به خدمات صحى برای مردم افغانستان، به شدت محدود است و مرگ و میر مادران و نوزادان از آمار بلندی برخوردار است. دسترسی زنان و دختران به خدمات صحی، برای زمان‌های طولانی یک چالش بوده است. مطابق یک سروی که در سال ۲۰۱۹ اعلام شده از هر صد هزار مادر در افغانستان ۶۶۱ تن در هنگام ولادت وفات می‌کنند.^۷ این آمار تکان‌دهنده دومین بلندترین رقم در سراسر جهان است. مرگ و میر مادران در افغانستان با توجه به مناطق مختلف و محلات روستایی و شهری از هم متفاوت است. رقم مرگ و میر رقم بلند مرگ و میر مادران با عدم دسترسی به کارمندان حرفه‌ای صحی در جریان زایمان مرتبط است. در افغانستان، اکثریت ولادت‌ها در داخل خانه‌ها و در عدم موجودیت یک کارمند حرفه‌ای صحی صورت می‌گیرد.^۸ گزارش‌هایی وجود دارد که نشان می‌دهد بسیاری از زنان در هنگام بیماری، یا اجازه رفتن نزد دکتر را ندارند و یا هم‌خانواده‌ها نیازی برای مراجعه به دکتر احساس نمی‌کنند تا زمانی که بیماری شدت می‌گیرد. وزارت صحت افغانستان و

^۷ - سایت دویچه وله ۲۷,۰۳,۲۰۱۹ <https://p.dw.com/p/۳Fkvm>

^۸ - نهاد تحقیقاتی حقوق زنان و اطفال، عرف، عنعنات و باورهایی که سبب نقض حقوق زنان می‌شود، ۲۰۱۳، ص ۲۶.

نهادهای ذی‌دخل، در کنار بالا بردن کیفیت خدمات صحی، نیاز دارند تا آگاهی مردم را نیز در مورد مسائل بهداشتی و نیاز مراجعه به دکتر در هنگام بیماری بالا ببرند.

جلوگیری از دسترسی زنان به میراث/ مهر ۱,۳,۶

در تقسیم ارث بر اساس قرآن، به صراحت حقی برای همسر، دختر و مادر متوفی، در نظر گرفته شده است، بنابراین دین مبین اسلام با دادن میراث به زن مخالف نیست بلکه در قرآن به صورت بسیار دقیق ارث تقسیم‌بندی گردیده است؛ ولی جلوگیری از دسترسی زنان به میراث یا ندادن ارث به زنان و محروم کردن آنان یک عمل خلاف شرع و قانون اسلامی است.

دلایل متعددی در مورد اینکه چرا زنان نمی‌توانند به میراث دسترسی داشته باشند، ارائه شده است. این دلایل، در کل، ناشی از یک تصویر مردسالارانه جامعه افغانی است. بر اساس دریافت‌های یک تحقیق نهاد تحقیقاتی حقوق زنان و اطفال که در سال ۲۰۱۱ انجام شد، تقریباً ۴۴ درصد مصاحبه‌شوندگان باور داشتند که زنان نباید به میراث دسترسی داشته باشند، ۴۳ درصد مصاحبه‌شوندگان باور داشتند که زنان نمی‌توانند حق دسترسی به میراث داشته باشند. در افغانستان این یک برداشت عام است که زنان چون «جای داد و یا دارایی دیگران» می‌پندارند و این باور وجود دارد که دختران پس از ازدواج، خانه والدین خود را ترک می‌کنند و می‌روند. اما از سوی دیگر، پسران با خانواده خود می‌مانند و یا حداقل انتظار می‌رود که بمانند، و از والدین خود در سال‌های پیری آنها نگهداری کرده و از جای داد آنها مراقبت کنند. از این رو برای برخی‌ها این منطقی است که تنها پسران باید حق دسترسی به میراث را داشته باشند، چون در این صورت جای داد با خود خانواده باقی می‌ماند و به خانواده شوهر دختر منتقل نمی‌شود. به دلیل فشار فزاینده‌ای که بر زنان در زمینه فراموش کردن میراث خانوادگی‌شان وجود دارد، حتی خودزنان نیز در بسیاری موارد آماده دست برداشتن از حق میراث خود هستند.^۹

محدودیت بر تحرک زنان ۱,۳,۷

متأسفانه به دلایلی شاهد حضور کم‌رنگ زنان در جامعه هستیم. در افغانستان ممانعت از حضور زنان در بازار کار و رقابت با مردان یک مشکل جدی است برخی از مردان جامعه افغانی حتی نمی‌توانند عکس و یا تصویر یک خانم را تحمل کنند. پاره کردن یا برداشتن عکس‌های خانم‌های کاندیدا در ایام انتخابات یک امر عادی جلوه می‌کرد. باورهای به شدت مردسالارانه در جامعه باعث

^۹ - نهاد تحقیقاتی حقوق زنان و اطفال، عرف، عنعنات و باورهایی که سبب نقض حقوق زنان می‌شود، ۲۰۱۳، ص ۲۷.

گردیده که بخش قابل توجهی از جامعه نتوانند بپذیرند که زن و مرد می توانند به طور برابر در عرصه مختلف جامعه مشارکت نمایند.

محدودیت برآزادی بیان ۱,۳,۸

شناخت همه حقایق هستی، به‌ویژه انسان، نه در صلاحیت دولت و مردان بزرگ است، آن‌گونه که بعضاً اعتقاد دارد، و نه در صلاحیت اکثریت مردم، آن‌گونه که دموکراسی غربی مدعی آن است، بلکه فقط خداوند است که به ابعاد پیچیده وجودی انسان و همه نظام خلقت و قوانین فطری و تکوینی آگاهی کامل دارد و بدین سبب، تنها اوست که می‌تواند منشأ وضع قانون باشد. خداوند بشر را آزاد آفریده و برای بیان دیدگاه قیدی از زن بودن و مرد بودن در قرآن آیتی نداریم؛ تعیین‌کننده قانون و شریعت اسلامی است. محدودیت بر آزادی بیان به شکل خودسرانه و با نادیده گرفتن قانون الهی عملی مغایر اسلام و شریعت اسلام است.



۱,۳,۹ ارزش دادن پسر نسبت دختر

در افغانستان متأسفانه رسم نابجا و بدون کدام اساس و پایه عقلانی، منطقی و دینی، وجود دارد که در خانواده به فرزندان ذکور ارزش بیشتری نسبت به دختران قائل می‌شوند. علت این امر شاید به زندگی روستایی ساکنین افغانستان بازمی‌گردد که در آن زراعت و مال داری نقش اساسی دارد و فرزندان ذکور خانواده به‌عنوان نیروی کار از اهمیت بیشتری برخوردار هستند.

یک دلیل دیگر این می‌تواند باشد که گمان غالب مردم این است که فرزندان ذکور در کهن‌سالی می‌توانند بیشتر و بهتر یار و یاور آن‌ها باشند. در حالی که دختران به‌مراتب نسبت به والدین خود دلسوزتر هستند و بیشتر مراعات والدین کهن‌سال خود را کرده و می‌کنند.

۱,۳,۱۰ عدم مشارکت زنان در امور تصمیم‌گیری

باوجود پیشرفت‌ها از نظر کیفی اشتراک زنان در فرایندهای تصمیم‌گیری در سطوح مختلف ناچیز بوده است. گرچه افغانستان چارچوب‌های حقوقی نسبتاً جامع و میکانیزم‌های مختلفی جهت رسیدن به تساوی جنسیت را دارا می‌باشد. اما تطبیق این میکانیزم‌ها تا هنوز با چالش‌هایی مواجه بوده است. نهادهای دولتی در اکثر موارد موضوع شامل سازی جندر را در برنامه‌های خود نادیده می‌گیرند. کارمندان بخش‌های جندر در وزارتخانه‌ها و شاروالی‌ها در حاشیه قرار گرفته‌اند و تنها یک تعداد محدود از آن‌ها در فعالیت‌ها و ارزیابی تأثیرات و یا تحلیل مسوده‌های قوانین و پالیسی‌ها از دیدگاه جندر؛ سهم دارند.



۲,۱ تشابه رسوم جاهلی پیش از اسلام با رسم و رواج های ناپسند امروزی

رسم و رواج‌های غیرانسانی در دوران جاهلیت رواج داشت و حرمتی نداشت، بلکه سازنده بخشی از جامعه جاهلیت به شمار می‌رفت. در دوره جاهلیت سنت‌های زشت بسیاری مانند زنده‌به‌گور کردن دختران؛ شراب‌خواری و فحشا، تجاوز، جنگ، خونریزی و خرافات، میان اعراب رواج داشت که در قرآن از آن به‌عنوان جاهلیت اول یاد می‌شود. بیشترین مواجهه اسلام با رسوم ناپسند جاهلی، به دوران نخستین ظهور اسلام که از آن به دوران صدر اسلام یاد می‌شود، بازمی‌گردد. آنچه از مطالعه زندگی پیامبر اسلام به دست می‌آید این است که بخشی از زندگی ایشان، صرف مبارزه با رسوم، عادات و عنعنات ناپسند جامعه آن دوران شد.

همچنین هنگامی که به احادیث روایت‌شده از حضرت محمد (ص) نیز مراجعه کنیم، تأکید بر وجود جاهلیت دوم نیز شده است. از پیامبر اکرم (ص) روایت‌شده که فرمودند: «من بین دو جاهلیت که دومین آن سخت‌تر از اولی است، برانگیخته‌شده‌ام.» این حدیث اشاره به این مطلب دارد که آداب و رسوم جاهلیت دوام یافته و بر هر مسلمانی فرض است که با الگو قرار دادن پیامبر اسلام با آن رسوم ناپسند مبارزه کند تا جهل و بی‌عدالتی از جامعه دور شود. در ادامه به نشانه‌هایی از مبارزه اسلام با جاهلیت اشاره می‌کنیم:

۲,۲ مبارزه اسلام با رسوم ناپسند و عنعنات جاهلی در قبال زنان

با ظهور اسلام و انتشار پیام نجات‌بخش آن و افول دوران جاهلی، در حیات تاریک زنان نیز روزه‌های امید‌پدیدار گشت و زنان از اسارت فرهنگ‌های متحجر نجات یافتند. در دوران قبل از اسلام با زن همچون یک برده رفتار می‌شد و همراه اموال به ارث برده می‌شد. ظهور دین اسلام به زنان هویت تازه بخشید و زنان از قیدوبندهای جاهلیت رهاشده و کرامت و جایگاه انسانی‌شان احیاء گردید.

۲,۲,۱ اسلام و تکریم و احترام به خانم‌ها

احترام به خانم‌ها یک امر سفارش شده از سوی خداوند برای همه است، آنجا که می‌فرماید «و عاشروهن بالمعروف» (النساء آیه ۱۹) و با زنان به نیکی رفتار کنید. در این آیه مراد از معروف، همان کار یا روش پسندیده‌ای است که مورد تأیید خداوند هم می‌باشد و در عرف مردم هم به‌عنوان امری

نیک و پسندیده، پذیرفته شده است. در همین رساله و در بسیاری از کتاب‌های دیگر اشاره شده که فرهنگی که بر جامعه عرب پیش از اسلام حاکم بود، فرهنگی به غایت منحط بوده، در زندگی اجتماعی، ارزشی برای زنان، جز آن که بازیچه مرد باشد، نمی‌دیدند؛ هیچ بهره‌ای از میراث و حق رأی نداشت. سپس اسلام آمد؛ دستان وی را گرفت و او را تا سرحد جایگاه انسانی و الایش و هم‌پایه مرد در عرصه بلند انسانیت بالا برد و برای او در همه عرصه‌های زندگی ارزش قائل شد و با این کار، سخت با آداب جاهلیت درگیر شد. قرآن می‌فرماید:

«لِّلرِّجَالِ نَصِيبٌ مِّمَّا اكْتَسَبُوا وَلِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِّمَّا اكْتَسَبْنَ»؛ مردان را از آنچه به دست آورده‌اند، بهره‌ای است، و زنان را از آنچه به دست آورده‌اند بهره‌ای (آیه ۳۲ سوره نساء).

«وَلَهُنَّ مِثْلُ الَّذِي عَلَيْهِنَّ بِالْمَعْرُوفِ»؛ برای زنان همانند وظائفی که بر دوش آن‌ها است حقوق شایسته‌ای قرار داده شده (آیه ۲۲۸ بقره).

در این آیه خداوند می‌فرماید: زنان هم چنانکه وظائفی در قبال شوهر دارند از حقوقی نیز برخوردار هستند به همین جهت اجرای عدالت شده است. و قانون عدالت در حق زن به مانند مردان رعایت شده ولی آیا لازم است در کلیه وظایف مساوی باشند؟



با در نظر گرفتن اختلاف که بین نیروهای جسمی و روحی زن و مرد وجود دارد پاسخ این سؤال روشن می‌شود. زن چون از عواطف و احساسات بیشتری برخوردار است و همین برتری در احساسات سبب می‌شود که اگر بخواهیم عدالت را اجرا کرده باشیم نباید کارهای دور از شأن و جایگاه زنان به ایشان سپرده شود. زیرا لازم است اینکه هر کس باید به حق خود برسد این است که هر یک از زن و مرد طبق استعداد و نیروها و غرایز و ساختمان ویژه خود وظیفه خویش را انجام دهند در کارهای که از زن ساخته نیست مرد به حمایت او برخیزد و در کارهایی که از مرد ساخته نیست زن به او کمک کند.

مطالعه درست و ژرف در واقعیت انسانی زن، به‌عنوان حقیقت همانند با واقعیت انسانی مرد، بهترین راه برای رسیدن به نتایج متعادل است. از آن جای که دین مبین اسلام به خانم‌ها با دیده اکرام می‌نگرد، در خصوص احترام به خانم‌ها از دیدگاه اسلام به بیان چند حدیث از رسول اکرم (ص) می‌پردازیم:

پیامبر اکرم (ص) «جلوس المرء عند عیاله احب الی الله تعالی من اعتکاف فی مسجدی هذا»^{۱۰} در پیشگاه خداوند تعالی، نشستن مرد در کنار همسر خود، از اعتکاف در این مسجد من، محبوب‌تر است. ارزش اعتکاف و ثواب ماندن در مسجد پیامبر (ص) چیزی است که هر مسلمانی آرزوی دستیابی به آن را دارد. اگر به فضیلت که اعتکاف در مسجد آن حضرت (ص) دارد توجه شود، آن وقت به ارزش بالای انس و الفت و نشستن مرد در کنار همسر خود، بیشتر پی خواهیم برد. این نیاز طبیعی زن است که همسرش، ساعاتی را در کنار او باشد، با او هم‌صحبت شود، به سخن او گوش کند، و کارهای روزمره، او را از این مهم باز ندارد. خود مرد نیز چنین نیازی را دارد. و این عنایت و اهتمام بالای اسلام به تحکیم مناسبات زن و شوهر و تقویت روابط عاطفی آنان را می‌رساند که حضور در خانه و نشستن در کنار همسر را در پیشگاه خداوند از اعتکاف در مسجد النبی (ص) دوست‌داشتنی‌تر به شمار می‌آورد.

حضرت پیامبر (ص) در جای دیگر می‌فرماید: «لا یخدم العیال الا صدیق او شهید او رجل یرید الله به خیر الدنیا والآخره»^{۱۱} خدمت به خانواده از خصوصیات انسان «صدیق» یا «شهید» یا مردی که خداوند خواسته است خیر دنیا و آخرت را به او برساند، است.

تفکر اسلامی به انسانیت زن و مرد در پیوند با مسئولیت، از چشم‌اندازی یکسان می‌نگرد و هر دو را به ایجاد یک جامعه سالم برای بهتر شدن زندگی آدمیان فرامی‌خواند و هر دو را در برابر کج

^{۱۰} - تنبیه الخواطر، ج ۲، ص ۱۲۲.

^{۱۱} - بحار الانوار، ج ۱۰۴، ص ۱۳۲.

روی و یا راستروی به یک اندازه مسئول دانسته، نقش‌ها و وظایف مهم را با توجه به تمایزاتشان میان آن‌ها توزیع می‌کند تا ویژگی‌های انسانی در جهت تکامل نقش‌ها و مسئولیت‌ها به وحدت برسند.

قرآن کریم بدون آنکه برای مردان نقش بزرگ‌تر یا مهم‌تری نسبت به زنان قائل شود، یا در متن واقعی زندگی و در خط صلاح یا فساد، مسئولیت یکی از آن‌ها را به دوش بردارد، به این معنا که نقش‌های عام مردان و زنان در زندگی زیر سایه مسئولیت انسانی آنان در حین اشتغال به نقش‌های ویژه‌ای چون مادر بودن و پدر بودن و همسر بودن پنهان نمی‌ماند، بلکه اصلاً این نقش عام است که به نقش خاص و ویژه رسالت می‌بخشد و بر روح و اندیشه آدمی تأثیر مثبت بر جای می‌گذارد.

اسلام و ارزش فرزند دختر

اما از دیدگاه دین مقدس اسلام نباید میان فرزندان ذکور و اناث تبعیض قائل شد، در دلیل این نکته گفته شده که خلقت خدا عاری از حکمت نیست و از آن جمله داشتن فرزند دارای حکمت‌هایی است و انسان مؤمن هیچ‌گاه بر هدیه‌ای که خداوند به او داده اعتراض نمی‌کند و چه هدیه‌ای بالاتر از یک دختر که یار و یاور مادر خود باشد و همراز پدر.

در میان مجموعه‌های حدیث، احادیثی داریم که بر ارزش دختران تأکید دارند، از جمله در یک حدیث شریف آمده است: «مِنْ بَرَكَهٖ الْمَرْأَةُ تَبْكِيهَا بِالْبَنَاتِ» برکت یک خانم در آن است که اولین فرزند را دختر به دنیا آورد.^{۱۲}

در صحیح مسلم از «انس بن مالک» روایت شده است که رسول خدا (ص) فرمود: «مَنْ عَالَ جَارِيَتَيْنِ حَتَّى تَبْلُغَا جَاءَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَنَا وَهُوَ كَهَاتَيْنِ وَضَمَّ أَصَابِعَهُ» کسی که دو دختر را سرپرستی نموده و بزرگ کند تا به بلوغ برسند- سپس به دو انگشت خود اشاره کرده می‌گوید- در روز قیامت با من مانند این دو انگشت خواهد بود.^{۱۳}

احمد در مسندش روایت می‌کند که گفت: از رسول خدا (ص) شنیدم که می‌گفت: «مَنْ كَانَ لَهُ ثَلَاثُ بَنَاتٍ فَصَبَرَ عَلَيْهِنَّ وَأَطْعَمَهُنَّ وَسَقَاهُنَّ وَكَسَاهُنَّ مِنْ جِدَّتِهِ (أَي مَالِهِ) كُنَّ لَهُ حِجَاباً مِنَ النَّارِ». کسی که سه دختر داشت و غذا و زندگی آنان را تأمین کرد و بر آنان از مال خود لباس پوشاند و بر تکفل آنان صبر کرد، در روز قیامت این عملش مانعی در مقابل آتش خواهد بود.^{۱۴}

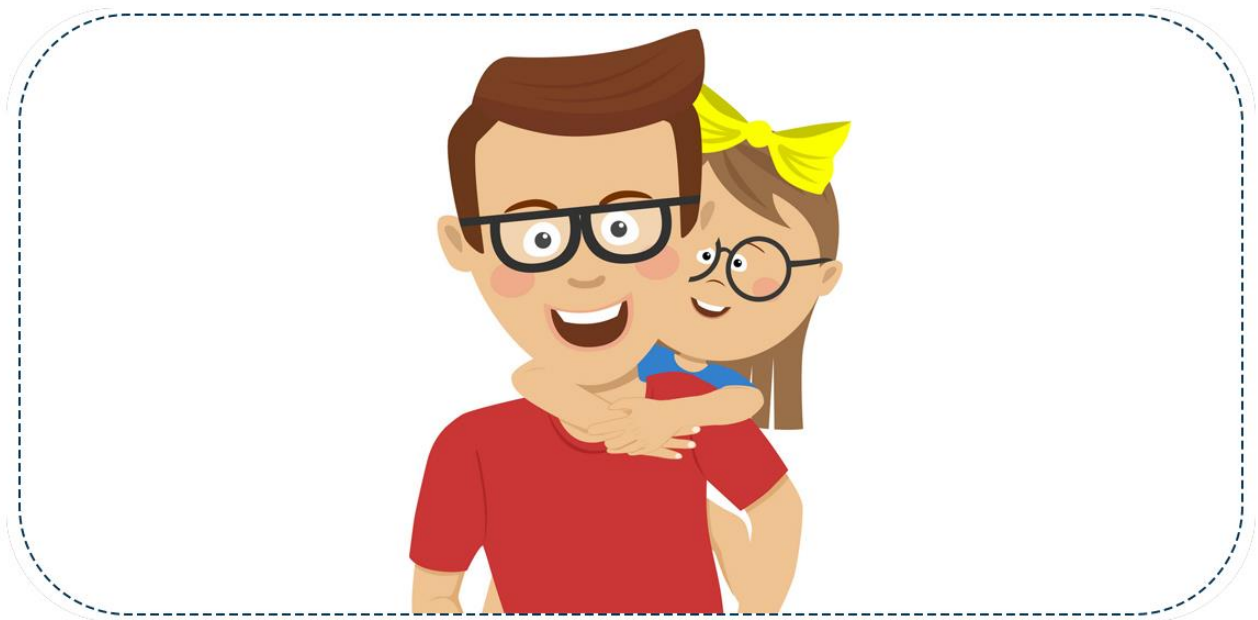
۱۲ - مکارم الأخلاق، ص ۲۲۹.

۱۳ - مسلم، کتاب البر والصلوة والآداب، باب فضل الإحسان إلى البنات، شماره ۲۶۳۱.

۱۴ - مسند احمد حنبل، شماره ۶۱۷۶۲ و سنن ابن ماجه، شماره ۳۶۵۹.

اما متأسفانه مشاهده می‌شود که خانواده‌ها آن ارج و احترامی که می‌بایست با دختران داشته باشند را ندارند درحالی‌که در حدیث شریفی از پیامبر خدا(ص) نقل شده که ایشان در یک حدیث سه مرتبه اصحاب و امت خود را سفارش کرده است که با مساوات و عدالت بین فرزندان خود رفتار کنید: «اعْدِلُوا بَيْنَ ابْنَائِكُمْ، اَعْدِلُوا بَيْنَ ابْنَائِكُمْ، اَعْدِلُوا بَيْنَ ابْنَائِكُمْ» با فرزندانان به عدالت رفتار کنید. با فرزندانان به عدالت رفتار کنید.^{۱۵}

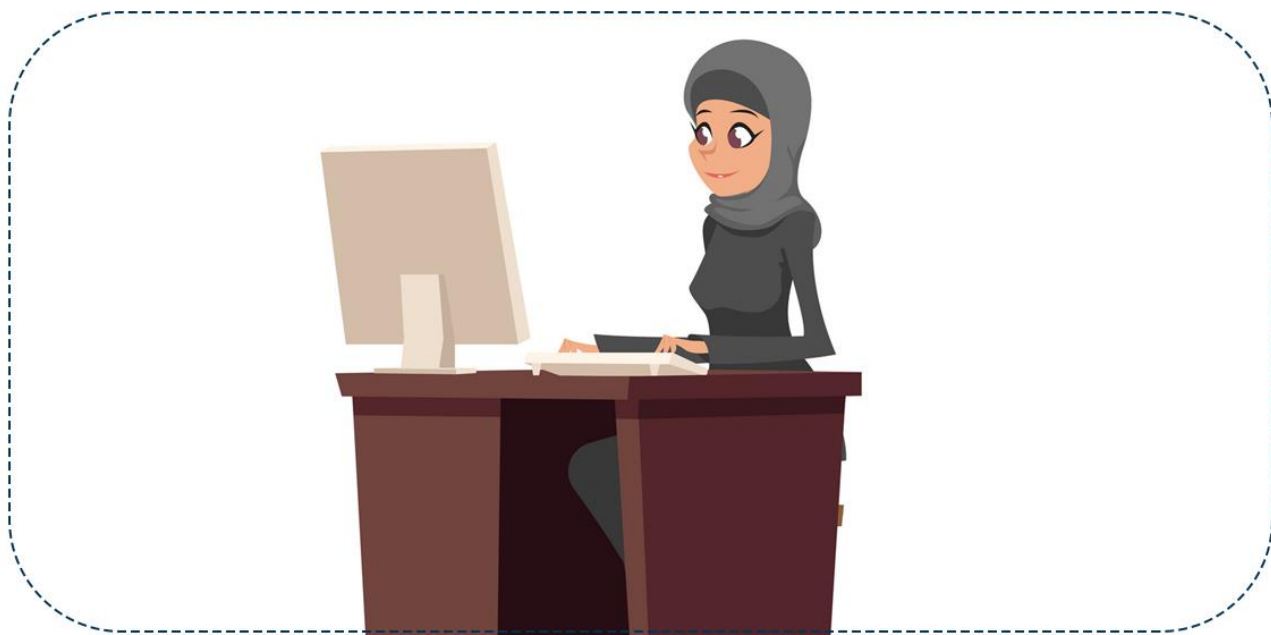
اگر در حال حاضر بعد از زوال جاهلیت هنوز هم در جوامع اسلامی این خصایل نامناسب به چشم می‌خورد، رسوبات همان محیط منحرف است که قبل از ظهور اسلام وجود داشته است، رسومی که بر هیچ مبنا و قاعده درست استوار نیست و تقلید اجتماعی منفوری است که به زمان جهل و تاریکی قبل از طلوع اسلام بازمی‌گردد.



^{۱۵} - مسند امام أحمد - ج ۱۴، حدیث ۱۸۳۶۴، ص ۱۷۷.

هنگامی که گفته می‌شود زن محور خانواده و گرمی‌بخش محیط خانه و صفابخش روحیه همسر و فرزندان است، این پندار به ذهن راه پیدا می‌کند که پس اجتماع و سیاست از حضور زن محروم و یا زن از آن محروم است. حال آنکه زنان به‌عنوان نیمی از پیکر اجتماع انسانی، سهم بسزایی در تاریخ جوامع و ملت‌ها بازی کرده و می‌کنند و اسلام نیز همپای تاریخ به حضور زن در این عرصه ارج نهاده، آن را ستوده و به ارتقای چنین حضوری اندیشیده است.

در تاریخ اسلام وقایعی رخ داده است که زنان در آن نقش و حضور مؤثر داشتند. آنگاه که پیامبر اسلام (ص) از تازه‌مسلمانان درخواست بیعت نمود، زنان نیز در نقش مؤمنان نقش آفرین بوده‌اند؛ «بیعت نساء» در زمانی که اوج فشار از کافران بر مسلمانان وارد می‌شد، بیان‌گر نقش انکارناپذیر زنان در تاریخ اسلام است. در بیعت دوم اهالی مدینه نیز چند زن حضور داشتند و با آن حضرت بیعت کردند مبنی بر این که همان‌گونه که از فرزندان و خانواده خویش دفاع می‌کنند از پیامبر اکرم (ص) دفاع کنند.



مصارف گزاف در عروسی در دین اسراف خوانده‌شده در قرآن کریم واژه اسراف در قرآن ۲۳ بار تکرار شده است که خداوند(ج) با تعبیرهای مختلف از آن نهی نموده است:

... لا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ (انعام / ۱۴۱)

زیاده‌روی نکنید که خداوند اسراف‌کاران را دوست ندارد.

... إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ (اعراف / ۳۱)

خداوند اسراف‌کاران را دوست ندارد.

... أَنْ الْمُسْرِفِينَ هُمْ أَصْحَابُ النَّارِ (غافر / ۴۳)

اسراف‌کاران اصحاب دوزخ اند.

اسلام و ازدواج بدل ۲,۲,۵

همچنان که پیش‌ازاین اشاره شد و پیامبر اسلام(ص) هم پیش‌بینی نموده بودند، باگذشت قرن‌ها از دوران جاهلیت صدر اسلام هنوز نشانه‌های آن دوران وجود دارد به‌عنوان نمونه یکی از انواع ازدواج در دوران جاهلیت، ازدواجی بنام شغار بوده که نکاح مبادله هم نامیده می‌شده که گونه‌ای ازدواج بوده که در آن دو سرپرست با مهر قرار دادن دخترانشان آن دو را به همسری خود یا پسران یکدیگر درآوردند. در اسلام این‌گونه ازدواج ممنوع شد و دلیل آن هم یک حدیث شریف از پیامبر اسلام (ص) در مورد مذمت شغار است: «عن ابن عمر عن النبی صلی الله علیه و سلم قال لا شغار فی الاسلام» یعنی در اسلام شغار مشروعیت ندارد.^{۱۶}

متأسفانه هم‌اکنون این ازدواج همچنان در بخش‌هایی از کشور وجود دارد و جا دارد علمای اسلام به غیرشرعی بودن این ازدواج پرداخته و نسبت به آن حساسیت داشته باشند. حقیقت ازدواج بدل این است که شخصی برای شخص دیگر پیشنهاد نماید که من خواهر و یا دختر خود را در عقد نکاح تو درمی‌آورم به شرطی که تو هم خواهر و یا دختر خود را در عوض به من بدهی و حق مهر برای هیچ یکی از خانم‌ها تعیین نگردد بلکه یکی عوض دیگر باشد، این ازدواج از نظر شرعی مشکل دارد.

البته در صورتی که مهرالمثل پرداخت شود، این نوع ازدواج در فقه حنفی مکروه دانسته شده است ولی عقد نکاح هر دو طرف شرعاً نافذ است و مهر مثل عبارت از مهر است برای خواهران و دختران کاکا این خانم قبلاً پرداخت‌شده است همان اندازه حق مهر باید برای خانم که در نکاح بدل

۱۶ - عمده القاری شرح صحیح البخاری جلد ۲۹ صفحه ۹۸.

داده شده است پرداخت گردد، با هر عقد نکاح چه بدل باشد و یا غیر آن مهر خودبه خود بر ذمه شوهر لازم می‌گردد و مکلف به پرداخت آن است و در مورد رضایت دختر باید گفت که نکاح دختر که سن قانونی خود را تکمیل کرده باشد بدون رضایت آن جواز ندارد. عبارت فقهی «... ولاتجبر بکربالغه علی النکاح ای لاینفد عقد الولی علیها بغير رضاها عندنا» یعنی مجبور کرده نمی‌شود دختر که بالغ شده باشد بر عقد نکاح یعنی اگر اولیاء دختر چنین تصرفی کنند بدون رضایت دختر نافذ نمی‌گردد.^{۱۷}

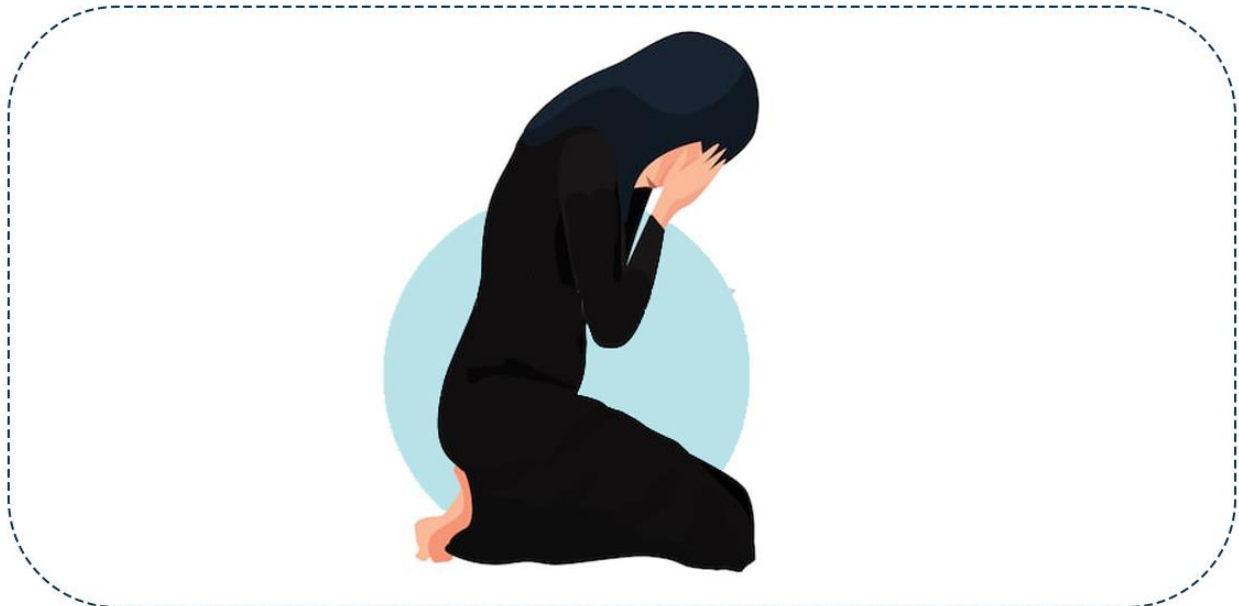


راهکار برای مقابله با رسوم و عنعنات ناپسند ۳,۱

با بررسی آداب و رسوم رایج در کشور آنچه فهمیده می شود این است که در اثر نبود آگاهی های دینی و اجتماعی، رسوم ناپسندی در جامعه به وجود آمده است. در جامعه ی فعلی ما، نه تنها در بخش زنان، بلکه در اکثر بخش های جامعه متأسفانه نابسامانی های بسیار افتاده است که عامل بیشتر آن ها به پایین بودن سطح آگاهی های فرهنگی و دینی بازگشت دارد. برای حل ریشه ای این رسوم ناپسند، لازم است تا تمام اقشار دخیل در فرهنگ سازی برای یک جامعه، گام های اساسی و عملی در جهت بهبود وضعیت بردارند:

عوامل مؤثر بر فرهنگ یک جامعه به چهار نظام یک جامعه بازگشت دارد، آن چهار نظام عبارت اند از: نظام سیاسی، نظام قضایی، نظام اقتصادی، نظام فرهنگی.

برای مقابله با رسوم و عادات ناپسند باید از این چهار نظام یاری گرفت تا جامعه از وجود آن عنعنات ناپسند، پاک و مبرا شود. به طور مشخص برای هر چهار نظام پیشنهادهای ارائه می شود:



۳,۱,۱ نظام سیاسی و آداب و رسوم ناپسند:

دولت مردان ما، به عنوان نمایندگان مردم در اداره جامعه وظیفه دارند که در طراحی و تدوین استراتژی‌ها و پلان‌های خود در سه سطح کوتاه‌مدت، میان‌مدت و طولانی‌مدت، بخشی از پلان و استراتژی خود را در راه محو رسوم و عنعنات ناپسند اختصاص دهند. تا با تصویب آن برنامه‌های ادارات و سازمان‌ها و وزارت‌های مربوطه هم‌جهت و همسو با این هدف نوشته و تهیه شود.

۳,۱,۲ نظام قضایی و آداب و رسوم ناپسند:

باهدف مبارزه با رسوم و عنعنات ناپسند، بخشی از کارها بر عهده نظام قضایی افغانستان است، چون با اجرای آن رسوم، حقوق انسان‌ها پایمال شده و نادیده گرفته می‌شود. در اینجا است که وظیفه نهاد قضایی کشور مشخص شده و باید با تصویب و پیشنهاد قوانین جزایی به قضایا ورود پیدا کرده و با متخلفان برخورد نماید.

۳,۱,۳ نظام اقتصادی و آداب و رسوم ناپسند:

بخشی از آداب و رسوم ناپسندی که در جامعه شاهد آن هستیم، ناشی از فقر اقتصادی جامعه است، لذا هنگامی که جامعه از نظر توزیع ثروت به حد مناسب برسد، شاهد کاهش آداب ناپسندی همچون ازدواج‌های زود هنگام یا ازدواج بدل هستیم که ریشه در فقر اقتصادی دارند.



ایجاد تغییر و بهبود یک جامعه، یک پروسه‌ی فرهنگی است که با فراهم شدن زمینه‌های آن از لحاظ فکری و فرهنگی به وجود خواهد آمد. در این تغییر عوامل متعدد دخیل هستند، در واقع مهم‌ترین عنصری که می‌تواند وضعیت فرهنگی جامعه را بهبود بخشد، نظام فرهنگی آن جامعه است. در مرحله اول باید شناخت از عوامل فرهنگی تأثیرگذار بر جامعه فهرست نماییم، با توجه به فضای سنتی جامعه افغانستان این عناصر می‌تواند ما را در مبارزه و یا کاهش رسوم ناپسند در جامعه یاری رساند: علمای دین و مساجد و مدارس دینی، متنفذین و ریش‌سفیدان، جوانان، رسانه‌های جمعی، معارف و تحصیلات عالی.

علمای دین و آداب رسوم ناپسند ۳, ۱, ۴, ۱

علمای دینی ما با توجه به اینکه جایگاه قابل توجهی در جامعه ما دارند، نقش مهمی در ارتقاء سطح فرهنگ جامعه دارند. امامان و خطیبان مساجد با تبیین و آگاهی دهی نسبت به رویکرد اسلام در قبال رسوم و عنعنات ناپسند سهمی مهم در ارتقاء سطح آگاهی مردم نسبت به این پدیده نامناسب فرهنگی دارند.

همان‌گونه که در بخش دوم همین نوشتار به آن اشاره شد، دین اسلام به صورت واضح با نمادهای دوره جاهلیت و به‌خصوص با آداب و رسوم جاهلی مبارزه کرده است. همین نحوه تعامل اسلام با این نمادها گواه و شاهدهی است بر اینکه دین اسلام با رسوم ناپسند موافق نیست. اگر مردم دین‌دار افغانستان متوجه این مطلب شوند که دیدگاه اسلام نسبت به رسوم ناپسند رایج در میان آن‌ها چیست؟ به‌طور یقین باور و اعتقاد آن‌ها نسبت به این سنت‌ها اگر از بین نرود لااقل سست خواهد شد.

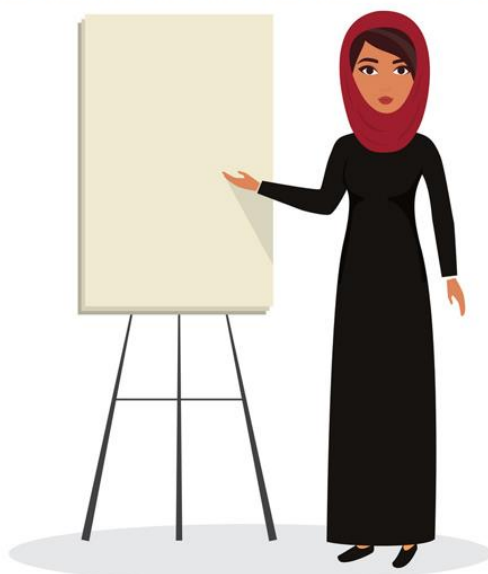
متأسفانه دیده می‌شود که یک تعداد از علمای دینی با استناد به تفسیرشان از اسلام این عنعنات را تقویت می‌کنند و به‌عبارت‌دیگر بعضی از رهبران مذهبی و اجتماعی در تداوم عرف و عنعنات ناصحیح تلاش کرده‌اند، درحالی‌که این عنعنات در تناقض با معتقدات اسلامی قرار دارند. لذا تدویر برنامه‌های آموزشی برای این دسته از رهبران مذهبی یکی از راه‌های اختتام عرف و عنعنات ناپسند می‌باشد و در صورت تغییر اندیشه و تفکر این علما، پند و اندرزهای این رهبران می‌تواند جامعه را نسبت به عرف و عنعنات ناپسند که با شریعت اسلامی سازگار نیست و باعث تبعیض علیه زنان می‌گردد، آگاه نماید. به‌عنوان نمونه عالمان دین می‌توانند برای جلوگیری از عقد و نکاح دختران خردسال و مصارف گزاف عروسی‌ها با جدیت حرکت کنند. روحانیون و علما کشور می‌توانند با آگاهی

دهی در مورد ناروا بودن عنعنات ناپسند که باعث فساد اخلاقی، بروز خشونت علیه زنان می‌شود، از طریق منابر و مساجد به اذهان عامه برسانند.

جوانان و آداب رسوم ناپسند ۳, ۱, ۴, ۲

جوانان و نوجوانان به‌عنوان آینده‌سازان جامعه افغانستان نقش مهمی در ساختن جامعه‌ای سالم دارند. اما سؤالی که پیش می‌آید این است که چگونه ذهن پاک یک جوان را به‌سوی ساختن یک جامعه عاری از عنعنات ناپسند هدایت کنیم.

اما آنچه در این نوشتار مهم است نقش جوانان در ایجاد این تغییر مثبت است. تغییر یک جامعه از تربیت صحیح یک فرد در درون خانواده شکل می‌گیرد و با توجه به تأثیر مستقیم زنان در تربیت افراد جامعه، نقش جوانان نیز در اینجا روشن می‌شود. لذا علاوه بر کارهای فرهنگی و رسانه‌ای باهدف کاهش و تضعیف رسوم ناپسند، می‌بایست توجه ویژه‌ای به نقش زنان جوان در جامعه داشته باشیم، ارتقاء نقش زنان جوان در جامعه در گرو ارتقاء جایگاه اجتماعی و منزلت فردی آنها می‌باشد و این امر زمانی تحقق می‌یابد که موارد ذیل پدید آید:



- ارتقای سطح دانش زنان؛
- وضع قوانین مدنی که جایگاه انسانی و حقوق برابر برای زنان را در نظر داشته باشد؛
- تأمین شرایط کاری و ارتقاء ظرفیت توانایی زنان که به استقلال اقتصادی آنان منجر گردد؛
- تغییر مثبت تفکر و ذهنیت جامعه نسبت به جایگاه و توانایی زنان؛
- تعدیل باورهای مذهبی نسبت به جایگاه و رتبه زنان در نظام اجتماعی و خانوادگی؛
- خودآگاهی و مسئولیت‌پذیری زنان در ایجاد جنبش‌ها و نهادهای مدنی و بنیادهای فرهنگی اجتماعی.

دولت در مسیر مبارزه با آداب و رسوم ناپسند ۳,۲

ستره محکمه و لوی سارنوال، به محاکم دستور دهند که قانون منع خشونت علیه زنان را تطبیق نمایند. پولیس و سارنوالان مطابق قانون، تمام شکایاتی را که در رابطه با عرف و عنعنات ناپسند که در قانون جرم دانسته شده و به ادارات آنها تقدیم می‌گردد، ثبت نمایند. دفتر لوی سارنوالی به تحقیق و تعقیب عدلی شکایات متذکره فوراً اقدام نماید.

وزارت عدلیه در همکاری با کمیسیون عالی منع خشونت علیه زنان باید برنامه‌های آموزشی و ظرفیت‌سازی را راجع به قانون منع خشونت علیه زنان، به شمول شناسایی، تحقیق و تعقیب عدلی و قضایی ازدواج اجباری و ازدواج‌های زودهنگام و بد دادن دختران برای تمام کارمندان ارگان‌های تنفیذ قانون، دایر نمایند.

علمای دینی همراه با وزارت حج و اوقاف و وزارت امور زنان باید برای ملا امامان مساجد و معلمان مسائل دینی، پروگرام‌های آموزشی راجع به حقوق زنان و قانون منع خشونت علیه زنان، انکشاف داده و دایر نمایند.

رهبران مذهبی باید به‌طور صریح راجع به تناقض عنعنات ناپسند با تعالیم دینی و اصول اسلامی صحبت نمایند و مباحث باز راجع به حقوق زنان در میان کارشناسان مسائل اسلامی برگزار نمایند.

تمویل کنندگان بین‌المللی باید حمایت‌های خویش را از ابتکارات دولت افغانستان که به‌منظور تطبیق قانون منع خشونت علیه زنان و تطبیق پلان کاری ملی برای زنان افغانستان روی دست گرفته می‌شود، افزایش دهند.

از آنجایی که برخی از عنعنات ناپسند که هم در قوانین افغانستان جرم دانسته شده و هم در تضاد با شریعت اسلامی قرار دارد، دولت مکلف است تدابیر لازم را در زمینه جلوگیری، تحقیق، محاکمه و مجازات عاملان خشونت زنان در نظر داشته و از اجرای همه جانبه قانون از بین بردن خشونت علیه زنان اطمینان حاصل کند.

ارائه برنامه‌های سیستماتیک آموزشی در مورد قانون منع خشونت علیه زنان به همه افسران پولیس که در بخش رسیدگی به مسائل خانوادگی کار می‌کنند،

ترتیب رهنمودها برای دادگاه در مورد اجرای قانون منع خشونت علیه زنان، به شمول اجرای لازمی آن در همخوانی با سایر قوانین مربوطه ملی، ترتیب استراتژی برای کسب اطمینان در مورد استخدام و یا نگهداری افسران پولیس زن، به دست آوردن اطمینان از فراهم آوردن منابع مورد نیاز برای خانه‌های امن و نظارت بر کیفیت و خدماتی که در آنجا ارائه می‌شود.

تهیه پالیسی و استراتژی همه جانبه را در راستای از بین بردن، سنت‌های ناپسند در برابر زنان و دختران، که شامل دخیل ساختن رهبران مذهبی و اجتماعی باهدف جلوگیری از سوء تعبیر از قانون اسلام و شریعت و تلاش برای بلند بردن سطح آگاهی مردم عام و رسانه‌ها، با همکاری جامعه مدنی و نهادهای زنان، و کسب اطمینان از ثبت و راجستر شدن قضایای خشونت و جمع‌آوری استاندارد آمار انفرادی در مورد تمامی انواع خشونت علیه زنان از جمله اقدامات قانونی می‌تواند باشد.

در خصوص مشارکت زنان در تصمیم‌گیری‌ها، دولت در عموم و وزارت امور زنان به‌طور خاص باید کمپاین‌های آگاهی دهی را به‌منظور آوردن تغییر در افکار عامه به حمایت از مشارکت سازنده سیاسی زنان، راه‌اندازی نماید. مهم است تا سهم زنان در عرصه سیاست تبارز یابد تا نشان داده شود که زنان افغان به‌عنوان یک نیروی سازنده در بازسازی کشور و آوردن تغییر در صحنه سیاسی بهتر افغانستان نقش دارند.

